

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیاده‌سازی

نگاهی نو به شرایط کرونایی پدید آمده در جهان و نحوه‌ی مواجهه با آن

کلیدواژه‌ها: ویروس کرونا، بیماری کووید ۱۹، بحران جهانی، نگرانی از بیماری و مرگ، پیامد ظلم‌ها و گناهان و غفلت‌ها، توبه و استغفار، مصلحت و حکمت، یأس و قطع امید از غیرخدا و امید بستن به خدا، آثار خیر و سازنده‌ی بیماری‌ها، عادت‌شکنی، بشارت ظهور، علل و علائم ظهور، وظایف منتظران واقعی.

شرایط کرونایی از منظر عالم کثرت

خواسته‌اند در مورد شرایط کنونی که به دلیل بیماری کووید ۱۹ و شیوع ویروس کرونا، مراکز تعطیل شده و افراد هم دچار دلهره هستند از اینکه نکند مبتلا به چنین بیماری‌یی شوند و پیامدهای سخت آن دامنگیرشان شود، نکاتی را عرض کنم.

اجمالاً عرض می‌کنم که شرایط دشواری که امروز ما در آن قرار گرفته‌ایم را اگر از منظر خلق، یعنی از منظر عالم کثرت نگاه کنیم، ظهور پیامدهای غفلت‌ها، معصیت‌ها و ظلم‌هایی است که بشر مرتکب

شده است. به تعبیر قرآن: **ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ**^۱ آنچه از بحران‌ها در خشکی و در دریاها ظهور می‌کند، نتیجه‌ی مُکتسبات انسان‌هاست؛ نتیجه‌ی رفتارهای انسان‌هاست. افراد پیامد رفتارهای خودشان را در عالم می‌بینند.^۲ *این جهان کوه است و فعل ما ندا.* اگر در یک کوهستان فریادی برپاوری، آن صدا بعد از برخورد با کوه‌ها، به خود ما برمی‌گردد. انسان متحمل تبعات رفتارهای خودش می‌شود. بنابراین آنچه از این منظر می‌شود نگاه کرد، این است که بشریت دارد پیامد ظلم‌ها، گناه‌ها و غفلت‌هایی را که به آن آلوده است، تا حدودی می‌بیند. و این هم لطف الهی است؛ برای اینکه انسان اگر اهل تدبّر و اهل عبرت‌گیری باشد، می‌تواند متوجه خلاف‌هایش شود، توبه و استغفار پیشه کند و مصمّم شود که در ادامه‌ی زندگی، راه عدل، راه طاعت و بندگی، راه پاکی و طهارت را در پیش گیرد؛ و در صورت چنین تحوّل‌ی، اگر انسان‌ها چنین تصمیمی بگیرند و عزم جدّی داشته باشند، شرایط تغییر خواهد کرد؛ **إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ**^۳ وقتی انسان‌ها نفس‌های خودشان را تغییر دهند، خدای متعال آنچه در اثر حالات نفسانی سابقشان برای آنها پیش آورده است را برای آنها تغییر می‌دهد. بنابراین، این از منظر عالم کثرت و جنبه‌های عالم اسباب و مسببات؛ که پیامدهای ظلم‌ها و گناه‌های خود بشر است. امروز هم در برخی از مراکز علمی، این بحث مطرح است که اساساً این ویروس به‌عنوان یک ابزار جنگ بیولوژیک توسط قدرت‌های ستمگر جهانی طرّاحی و ایجاد شده است؛ و این بهترین شاهد است برای این امر که امروز بشر دارد پیامدهای سرکشی‌های خودش از راه انبیاء و از راه خدا را متحمل می‌شود. امیدواریم سبب تنبّه شود و افراد

۱. سوره‌ی روم، آیه‌ی ۴۱.

۲. پیامبر اکرم ﷺ: **إِنَّمَا هِيَ أَعْمَالُكُمْ تَرُدُّ إِلَيْكُمْ فَمَنْ وَجَدَ خَيْرًا فَلْيَحْمِدِ اللَّهَ وَ مَنْ وَجَدَ غَيْرَ ذَلِكَ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ**: منحصرأعمال خود شماست که به شما باز می‌گردد؛ پس کسی که خیری یافت، باید حمد خدا را به‌جا آورد و کسی که جز آن را یافت، کسی جز خود را ملامت نکند. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۴۵۴).

۳. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۱۱.

عبرت بگیرند و از اوج تکبر، خودخواهی، غرور و تکیه کردن به توانمندی‌های خویشتن پایین بیایند، اضطراشان در برابر قدرت الهی را باور و اعتراف کنند و سر به راه خدا بگذارند؛ که این تنها راه نجات است.

شرایط کرونایی از منظر عالم وحدت

اما اگر از منظر عالم بالا، عالم توحید نگاه کنیم، آنچه در عالم واقع می‌شود، کار خداست. آنچه برای ما پیش می‌آید، به اراده‌ی الهی اتفاق می‌افتد؛ مشیت خداست که بر عالم حاکم است. در عالم، احدی غیر خدا کارهای نیست؛ احدی غیر خدا مؤثر نیست؛ **لا مُؤَثِّرَ فِي الْوُجُودِ إِلَّا اللَّهُ**^۴ به تعبیر قرآن: **لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا**^۵؛ جز آنچه خدای متعال برای ما مقدر کرده، برای ما اتفاق نمی‌افتد و رخ نمی‌دهد. بنابراین، اگر از این منظر نگاه کنیم، به این باور می‌رسیم که خدایی که رحمان است، رحیم است، حکیم است، قادر است، عالم است، از چنین خدایی جز آنچه خیر و مصلحت خلق است، صادر نمی‌شود. **از خیر محض جز نکویی ناید.** پس اولاً جز خدا، احدی در عالم کارهای نیست: **لا مُؤَثِّرَ فِي الْوُجُودِ إِلَّا اللَّهُ**؛ و ثانیاً از خدا هم جز خیر صادر نمی‌شود؛ که **لا يَفْعَلُ بِعِبَادِهِ إِلَّا الْأَصْلَحَ لَهُمْ**^۶؛ جز آنچه حاوی بیشترین مصلحت است، از جانب خدا برای بندگانش صادر نمی‌شود و خدا جز آنچه به بیشترین حد، مصلحت بندگانش را در بر دارد انجام نمی‌دهد. حال، اگر اینها را کنار هم بگذاریم، می‌توانیم به این نتیجه برسیم که آنچه پیش آمده، حاوی مصلحت و خیری است؛ حادثه‌ی نیندیشیده‌ای نیست؛

۴. از اقوال اهل معرفت است.

۵. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۵۱.

۶. صدوق، خصال، ج ۲، ص ۴۰۰ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۸، ص ۱۳۴.

حادثه‌ی غیرحکیمانه‌ای نیست؛ حادثه‌ی شرّی نیست؛ فاقد خیر نیست؛ بلکه محض خیر است. منتها خیر بودن هر چیزی مستلزم گوارا بودن آن نیست. کمااینکه داروی تلخ‌مزه‌ای که بیمار را از مرگ حتمی نجات می‌دهد، گوارا و شیرین نیست؛ اما حاوی مصلحت بسیار بزرگی برای اوست. با توجه به این نکات است که می‌توان دقت کرد که در آنچه خدا پیش آورده، مصلحت و حکمتی است و آن مصلحت و حکمت، در جهت رشد بشر است؛ در جهت اصلاح بشر است؛ در جهت نجات انسان از غفلت و بیراهه رفتن اوست. با اندیشیدن در مورد ضعفی که همه‌ی مراکز علمی دنیا، همه‌ی قدرت‌های اقتصادی و سیاسی دنیا، همه‌ی مدعیان عالم، در برابر این ویروس ناشناخته از خود نشان می‌دهند، می‌توان به عجز بشر در برابر خدا پی برد. انسان مغرور، انسان متکبر، اگر از آنچه خدا کرده، عبرت بگیرد، از غیرخدا قطع امید می‌کند؛ از غیرخدا یأس پیشه می‌کند و همه‌ی امیدش را به سوی خدا قرار می‌دهد. و این رمز نجات است؛ رمز گشایش است: قطع امید از غیرخدا و تنها به خدا امید بستن. این کلید بزرگ نجات و فرج است.

توجه به این نکات سبب می‌شود که انسان در شرایط کنونی دچار نگرانی نشود؛ گمان نکند که حادثه‌ای نیندیشیده و غیرحکیمانه دارد در عالم رخ می‌دهد و او هم در برابر قدرت آن حادثه، عجز مطلق است و محکوم به نابودی و تحمّل خسارات و دشواری‌هاست. نه، همه‌ی امور عالم در دست خداست؛ و خدا هم جز خیر برای بشر و برای همه‌ی مخلوقاتش اراده نکرده است و نمی‌کند. بنابراین انسان باید آنچه پیش آمده است را مایه‌ی خیر بداند؛ و آنچه خیر است، سبب نگرانی نمی‌شود. انسان از رخداد چیزی نگران می‌شود که آن را شرّ می‌داند. اگر انسان باور کرد دارویی که این پزشک می‌دهد، چه تلخ باشد، چه شیرین، داروی نجات‌بخش از بیماری و مرگ است، دیگر نگران این نیست که این دارو تلخ‌مزه است. با خوشحالی و خشنودی آن دارو را پذیرا خواهد بود و از نتایج شفابخش آن دارو هم بهره‌مند می‌شود. بنابراین، نکته‌ی اول این است.

آثار سازنده درد و رنج بیماری‌ها

نکته‌ی دوم اینکه ممکن است کسی تصور کند که بیماری کووید ۱۹ رنج‌آور است و در صورت ابتلا به این بیماری، باید درد و دشواری تحمل کرد. کسانی که به این بیماری مبتلا شده‌اند، از بیماریشان رنج و درد می‌کشند. به این خاطر نگران مبتلا شدن به این بیماری باشد که ناگزیر از تحمل این همه درد و رنج خواهد شد.

در این زمینه جا دارد توجه شود که اولاً بیماری، به اراده‌ی حضرت حق پیش می‌آید. هیچ‌کس بی‌مشیت حق، به بیماری مبتلا نمی‌شود؛ و مشیت الهی که بر همه‌ی عالم حاکم است، حاوی خیر انسان‌هاست. بنابراین اگر خدای متعال، برای کسی بیماری و رنج و دردی پیش می‌آورد، آن بیماری و رنج و درد، آثار سازنده‌ای در او دارد. احادیث فراوانی از معصومین علیهم‌السلام داریم که بیماری گناهان انسان را پاک می‌کند: **السُّقْمُ يَمْحُو الدُّنُوبَ**.^۷ گناهانی که پاک شدن آنها در عوالم بعدی، شاید مستلزم تحمل دوران بسیار طولانی عذاب و رنج اخروی در عالم برزخ و یا حتی در قیامت باشد، با تحمل رنج و درد کوتاهی در دنیا پاک می‌شود و شخص از تحمل آن عذاب‌ها و رنج‌ها در آخرت بی‌نیاز می‌شود. بیماری و درد و رنج ناشی از آن، مایه‌ی تطهیر انسان از گناهان است؛ کما اینکه در برخی از روایات داریم که بهره‌ی مؤمن از آتش دوزخ تبی است که در بیماری‌ها گریبان‌گیر او می‌شود.^۸ یعنی گرمای تب، گناهانی را در وجود شخص بیمار پاک می‌کند که اگر توسط این تب پاک نمی‌شد، باید در قیامت با آتش دوزخ از وجود او پاک می‌شد؛ تا او چنان طهارتی پیدا کند که شایستگی ورود به بهشت الهی را

۷. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۲۴۴ و محدث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۲، ص ۶۵.

۸. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: **الْحُمَى حَطُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ مِنَ النَّارِ**: راوندی، الدعوات، ص ۱۷۱؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۸۸ و

محدث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۲، ص ۵۷.

به دست آورد. بنابراین بیماری‌ها و رنج و درد ناشی از آنها، آثار خیر و سازنده‌ای دارند که با توجه به آن اصلاً نه نگرانی بی لازم است و نه آزرده‌خاطری و نارضائی بی به‌خاطر ابتلا به بیماری.

آموزه‌های بلند دعای امام سجّاد هنگام ابتلا به بیماری

دعای پانزدهم صحیفه‌ی سجّادیه بسیار زیبا و حاوی آموزه‌های بسیار والایی است. آن‌گونه که نقل شده است، امام سجّاد علیه السلام در هنگام بیماری آن را می‌خوانده‌اند. خیلی خوب است که این دعا را که کوتاه هم هست، جمله به جمله بخوانیم و به معنای آن بیندیشیم؛ تا بدانیم که با این بیماری و هر بیماری دیگری در زندگی، چگونه باید مواجه شد. باید چه فهم و تعبیری از بیماری داشت و در نتیجه‌ی آن تعبیر، چه احساسی در انسان پدید می‌آید؛ تا نحوه‌ی تعامل یک انسان موخّد با بیماری و درد و رنج‌های ناشی از آن را بشناسیم. این بدان معنا نیست که انسان با بی‌توجهی و بی‌مبالاتی، خود را به بیماری مبتلا کند یا احتیاط لازم را نکند و نکات بهداشتی را مراعات نکند و یا اینکه حتّی با اراده‌ی خود، خودش را به بیماری مبتلا کند؛ که همه‌ی اینها مذموم و مردود است. بیماری‌ی سازندگی‌هایی را که در این دعا ذکر شده است دارد که خدای متعال آن را برای فرد رقم می‌زند، بدون آنکه خود فرد با خطاهای خود به استقبال آن بیماری رفته باشد. بنابراین مراعات نکات بهداشتی و آنچه متخصصین امر بهداشت بر آن تأکید می‌کنند، به قوّت خود باقی است. اما می‌خواهیم ببینیم انسان مؤمن چگونه به بیماری نگاه می‌کند و این نوع نگاه، چه احساسی در او ایجاد می‌کند. در دعای پانزدهم صحیفه‌ی سجّادیه، امام سجّاد علیه السلام به خدای متعال عرض می‌کنند:

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا لَمْ أَزَلْ أَتَصَرَّفُ فِيهِ مِنْ سَلَامَةٍ بَدَنِي، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا أَخْدَتَ بِي مِنْ عِلَّةٍ فِي

جَسَدِي: خدا/یا حمد و ستایش سزاوار توست، به سبب آنکه همواره بدنم را در سلامت قرار می‌دهی و با

آن حال زندگی می‌کنم؛ و به همین ترتیب، حمد و ستایش سزاوار توست در آن هنگامی که مرا به بیماری مبتلا می‌کنی و پیکر من را بیمار می‌کنی. **فَمَا أَدْرِي يَا إِلَهِي أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَ أَيُّ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَىٰ بِالْحَمْدِ لَكَ:** ای خدا! من نمی‌دانم که کدام یک از این دو وقت و دو حالت، سزاوارتر برای شکرگزاری است و کدامیک از این دو زمان سزاوارتر است که من به خاطر آن حمد تو را به جا بیاورم. **أَوْقْتُ الصَّحَّةِ الَّتِي هُنَّاتِي فِيهَا طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ وَ نَشَطْتَنِي بِهَا لِابْتِغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَ فَضْلِكَ وَ قَوَّيْتَنِي مَعَهَا عَلَيَّ مَا وَقَفْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ:** وقت سلامت و صحت که استفاده از روزی پاک‌ی که نصیبم می‌کنی، برای من گواراست و از آن لذت می‌برم؛ و برای گام برداشتن و تلاش برای رسیدن به رضایت تو و فضل تو، به خاطر سلامتی که دارم کاملاً با نشاطم؛ و در انجام طاعاتی که من را به آن موفق می‌کنی، با وجود این صحت و سلامت، نیرومندم؟ آیا این وقت سزاوار است که شکر تو به خاطر آن بیشتر به جا آورده شود؟ **أَمْ وَقْتُ الْعِلَّةِ الَّتِي مَحْصَنَتَنِي بِهَا، وَ النَّعْمِ الَّتِي اتَّخَفْتَنِي بِهَا:** یا وقت بیماری برای شکرگزاری سزاوارتر است که مرا در آن تحت فشار قرار می‌دهی و پاک و خالص می‌کنی؟^۹ و آن رنج و درد نعمتی است که تو به من هدیه کرده‌ای، **تَخْفِيفاً لِّمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَيَّ ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ:** و این رنج و درد و آن سختی و دشواری بیماری را مقدر کردی و پیش آوردی تا بار خطیئاتی که بر دوش من سنگینی می‌کند، سبک کنی؛ **وَ تَطْهِيراً لِّمَا انْعَمَسْتُ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ:** و من را از سیئات و بدی‌هایی که در آن غوطه‌ور شده‌ام، پاک کنی و تطهیر فرمایی. **وَ تَنْبِيهاً لِتَنَاوُلِ التَّوْبَةِ:** این بیماری و درد و رنج را پیش آوردی تا من به خود بیایم؛ برای توبه کردن بیدار شوم؛ **وَ تَذْكَيراً لِّمَحْوِ الْحَوْبَةِ بِقَدِيمِ النُّعْمَةِ:** و با پیش فرستادن نعمت این بیماری، مرا متذکر ساختی که گناهانم را محو کنم. علاوه بر اینکه من می‌توانم از این بیماری چنین بهره‌هایی را ببرم: بار گناهانم سبک شود، از آلودگی سیئات تطهیر شوم، برای توبه کردن به خود بیایم

۹. مثل سنگ فلزی که از معدن بیرون می‌آورند و در کوره‌ی مذابی به آن حرارت می‌دهند تا زوائدش جدا شود و فلز خالص و ناب فراهم شود.

و متوجه ترک گناهان شوم؛ وَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ مَا كَتَبَ لِي الْكَاتِبَانِ مِنْ زَكَاةِ الْأَعْمَالِ مَا لَا قَلْبٌ فَكَّرَ فِيهِ وَ لَا لِسَانٌ نَطَقَ بِهِ وَ لَا جَارِحَةٌ تَكَلَّمَتْهُ بَلْ إِفْضَالًا مِنْكَ عَلَيَّ وَ إِحْسَانًا مِنْ صَنِيعِكَ إِلَيَّ: در همین حال بیماری، فرشته‌هایی که رفتارهای هرکس را ثبت می‌کنند، مشغول ثبت اعمال پاک و شایسته و برجسته‌ای برای من می‌شوند؛ اعمالی که نه قلب من اندیشیده که آن را انجام دهم و نه زبان من آن اذکار و آن گفته‌های خیر را جاری کرده است و نه عضوی از بدن من برای انجام آن اعمال به دشواری و سختی افتاده است. (ملائکه‌ی کاتب اعمال، اعمال شایسته‌ای را در حال بیماری در نامه‌ی عمل من می‌نویسند که من نه تصمیم بر انجام آن اعمال داشتم و نه در مورد آنها فکر کرده بودم و نه زبان به آنها گشوده بودم و نه در انجام آنها بدنم را به کار انداخته بودم) بلکه این ثبت اعمال نیک، در اثر تفضلی است که از جانب تو در این بیماری متوجه من شده است و در اثر احسانی است که کار توست (کار من نیست).

امام سجاد علیه السلام به خداوند عرضه می‌دارند که من نمی‌دانم کدام یک از این دو حالت ارزشمندتر، و سزاوارتر است به حمد و شکر: وقت سلامتی یا وقت بیماری؛ سلامتی که چنان پیامدهایی دارد، و بیماری که چنین آثار سازنده و برجسته‌ای دارد. بر این اساس، امام سجاد علیه السلام عرضه می‌دارند: **اللَّهُمَّ فَصَلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ حَبِّبْ إِلَيَّ مَا رَضَيْتَ لِي: خدایا! درود فرست بر پیامبر اکرم و خاندان او و آنچه تو برای من پسندیده‌ای، (چه سلامتی و چه بیماری) را محبوب من قرار ده. کاری کن که من همان را که تقدیر تو برای من رقم زده، دوست بدارم. وَ يَسِّرْ لِي مَا أَخْلَلْتُ بِي: و تحمل آنچه بر من فرود آورده‌ای را بر من آسان بگردان. وَ طَهِّرْنِي مِنْ دَنَسٍ مَا أَسْلَفْتُ: و در اثر این بیماری، مرا از چرک‌ها و آلودگی‌هایی که وجودم را در گذشته به آن مبتلا و آلوده کرده‌ام، تطهیر کن. وَ امْحُ عَنِّي شَرَّ مَا قَدَّمْتُ: و کارهای شری که پیش از این انجام دادم و مرتکب شدم را محو کن و از صحیفه‌ی اعمالم پاک کن. وَ أَوْجِدْنِي خِلَاوَةَ الْعَافِيَةِ وَ ادْفِنِي بَرْدَ السَّلَامَةِ: و بعد از اینکه چنین بهره‌ای از این بیماری برای من فراهم کردی،**

طعم شیرین عافیت را هم به من بچشان و خنکای سلامت را به من بچشان. **وَ اجْعَلْ مَخْرَجِي عَنْ عَلْتِي إِلَى عَفْوِكَ وَ مُتَحَوِّلِي عَنْ صَرَغْتِي إِلَى تَجَاوُزِكَ وَ خَلَّاصِي مِنْ كَرْبِي إِلَى رَوْحِكَ وَ سَلَامَتِي مِنْ هَذِهِ الشَّدَّةِ إِلَى فَرْجِكَ:** بیرون آمدن مرا از بیماری بی که به آن مبتلا هستم، بیرون آمدنی قرار بده که از بیماری به عفو تو وارد شوم (یعنی بیماری پلی باشد برای اینکه عفو تو شامل حال من شود) و این تغییر حالت من (از بیماری به تندرستی)، بیرون آمدن از بستر بیماری به سمت چشم پوشی و گذشت تو از خطاهای من باشد و خلاص من از بیماری و درد و رنجی که در اثر این بیماری می کشم، به سمت روح و ریحان تو و عنایات و الطاف تو باشد و سلامت یافتن من از این سختی و دشواری بیماری، وسیله ای باشد برای نیل من به فرج تو و گشایش اصلی بی که در باطن هر انسانی مقدر می کنی. **إِنَّكَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْإِحْسَانِ، الْمُتَطَوِّلُ بِالْإِيمَانِ، الْوَهَّابُ الْكَرِيمُ، ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ الْوَهَّابُ الْكَرِيمُ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ:**^{۱۰} چراکه خدایا تو کسی هستی که از سر احسان، نه به سبب استحقاق، به بندگانت تفضل می کنی؛ و تویی که بخشنده ای و این بخشندگی فراوان تو سزاوار ستودن است. عطاکننده ی کریم هستی و صاحب جلال و اکرامی.

بیماری، هم مظهر جلال الهی است، به اعتبار اینکه بیمار در بستر می افتد و قدرت و راحتیش را از دست می دهد. این ظهور جلال الهی است و به لحاظ سازندگی ها و بهره های بزرگی که بیماری برای شخص دارد، مظهر اکرام الهی است.

این دعای بسیار زیبایی است از امام سجاد علیه السلام که در صحیفه ی سجّادیه^{۱۱} آمده است و نحوه ی مواجهه با بیماری را به هر انسان مؤمن و موحدی می آموزد.

۱۰. امام سجاد علیه السلام، صحیفه ی سجّادیه، دعای ۱۵، ص ۷۶؛ راوندی، الدعوات، ص ۱۷۴ و کنعمی، مصباح، ص ۱۴۹.

۱۱. دعای پانزدهم.

بنابراین با توجه به این نکته باید دقت کنیم که بیماری، ولو درد و رنج ظاهری دارد، آثار سازنده‌ی بسیار عظیمی دارد و در نتیجه نباید از مبتلا شدن به بیماری تلخکام بود و آن را یک امر شوم انگاشت؛ بلکه باید در عین مراعات همه‌ی نکات بهداشتی، اگر ابتلای به بیماری پیش آمد، آن را یک عطیه‌ی بزرگ الهی و سبب نعمت‌ها و الطاف بزرگ خدای متعال دانست.

معنای مرگ در نظر اهل ایمان و احساس ایشان نسبت به آن

نکته‌ی دیگری که ممکن است موجب نگرانی شود، این است که ممکن است این بیماری منجر به مرگ ما شود؛ ما مبتلا به این بیماری شویم و در اثر این بیماری از دنیا برویم.

انسان دین‌باور و مؤمن مرگ را حادثه‌ای شوم نمی‌داند؛ مرگ را انتقال از مرتبه‌ی پایین‌تری از حیات به مرتبه‌ی بالاتر می‌داند. جنینی که در رحم مادر است، گر چه هنگام تولد حیات جنینی او خاتمه پیدا می‌کند؛ اما به حیات بالاتری در این دنیا نائل می‌شود. این حادثه‌ی شومی نیست؛ حادثه‌ی نگران‌کننده‌ای نیست. اطرافیان این طفل نوزاد، تولد او را جشن می‌گیرند، و خود این شخص تا سالیان دراز، تا پایان عمر، روز مرگ جنینی و تولدش در دنیا را جشن می‌گیرد و شادی می‌کند. مرگ هم چنین تولدی است. اگر از منظر دنیا نگاه کنیم، مرگ است؛ اما اگر از منظر عالم برزخ نگاه کنیم، تولد است؛ یک حادثه‌ی خجسته است؛ انسان به مرتبه‌ی بلندتری از حیات نائل می‌شود. کمالینکه انسان در عالم برزخ هم همیشه نخواهد ماند. انتقال او از عالم برزخ هم مرگی است که حیات در قیامت را در پی می‌آورد؛ حیاتی جاودانه با همه‌ی مراتب بلند آن؛ که: **إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لُو كَانُوا يَعْلَمُونَ**^{۱۲} اگر بدانند، خانه‌ی آخرت همانا آن حیات واقعی و تمام‌عیار است. حیات تمام‌عیار آنجا معنا پیدا می‌کند.

۱۲. سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ۶۴.

بنابراین، مرگ حادثه‌ی تلخی نیست؛ حادثه‌ی شومی نیست که انسان از فرارسیدن آن دچار نگرانی و ترس و دلهره شود.

مرگ انسان‌ها به دست خداست؛ و خدای متعال هر یک از انسان‌ها را در لحظه‌ای از این عالم منتقل می‌کند، که مناسب‌ترین لحظه برای انتقال اوست. مثل باغبان خیره‌ای که می‌داند هر میوه‌ای را در چندمین روز رویش آن باید از درخت جدا کند؛ که اگر یک روز زودتر جدا کند، هنوز آن میوه نارس و کال است، و اگر یک روز دیرتر جدا کند، آن میوه دچار پوسیدگی و گندیدگی می‌شود و لک می‌افتد.

خدای عالم است که موجودات و از جمله انسان‌ها را از این عالم منتقل می‌کند: **اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا**^{۱۳} خدا هنگام مرگ جان‌ها را به‌طور کامل می‌گیرد. بنابراین اگر خدا را مُمیت می‌دانیم، و نیز خدا را خیرخواه انسان می‌دانیم، باید باور داشته باشیم که مرگ انسان، حادثه‌ی شری نیست، و لحظه‌ی مرگ انسان بهترین و مناسب‌ترین لحظه‌ی انتقال او از این عالم است.

مرگ انسان، کنار رفتن حجاب دیدار خدای متعال است. یکی از اسامی مرگ، لقاءالله است. انسان با مرگ، با نیل به موت، از حجابی که در این عالم دچار آن است، نجات پیدا می‌کند. به تعبیری بعضی از بزرگان، مؤمنی که می‌میرد، مثل عاشقی است که در شب عروسی، پرده‌ی حجله را برای او کنار می‌زنند و می‌تواند به وصال معشوقش نائل شود. کمااینکه در روایات داریم به مؤمنی که از دنیا می‌رود و او را در قبر قرار می‌دهند، گفته می‌شود: **نَمَ كُنُومَ الْعُرُوسِ**^{۱۴} مثل عروس (که با برآمدن همه‌ی آرزوهایش، در حجله با خیال راحت و آسوده می‌خوابد) در قبر بخواب. اگر قبر، برای انسان مؤمن **رَوْضَةٌ**

۱۳. سوره‌ی زمر، آیه ی ۴۲.

۱۴. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۲۳۸؛ کوفی‌اهوازی، الزهد، ص ۸۲ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۶۲.

مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ: ^{۱۵} باغی از باغ‌های بهشت، است، رفتن به عالم قبر، به عالم برزخ، چه تلخی‌یی دارد؟! اگر بدانیم که مرگ مثل فارغ‌التحصیل شدن یک فرد در مقطع دبیرستان و ورود او به دانشگاه است و در نتیجه حادثه‌ی تلخ و شومی نیست، قطعاً دچار دلهره و ترس نخواهیم شد.

بر هم ریختن نظم زندگی در ار بیماری کووید ۱۹

نکته‌ی دیگری که اشاره به آن هم مفید است، این است که در اختلال پدیدآمده در برنامه‌ی عادی زندگی روزمره که با خانه‌نشینی افراد و توقف آمدوشدها، توقف فعالیت‌های کاری روزانه، برنامه‌های تفریحی، حضور در مجامع مذهبی یا در مراکز تفریحی و امثال اینها، پیش آمده است و عملاً همه‌ی برنامه‌های زندگی متوقف شده و نظم زندگی بر هم ریخته است، نکته‌ی مهمی است؛ و آن این است که انسان بعضاً در جریان زندگی روزمره، تبدیل به ماشین برنامه‌ریزی شده‌ای می‌شود که بی‌احساس و بی‌توجه و بی‌اراده، کارهایی را تکرار می‌کند؛ معتاد به عاداتی در زندگی می‌شود و همه‌ی عمرش را با تکرار این رفتارهای عادت‌شده طی می‌کند و به انتها می‌رساند. در حالی که کمال انسان در این است که از دام این اعتیاد و عادات رها شود. به تعبیر حافظ:

از خلاف آمد عادت بطلب کام که من کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم

اینکه انسان از دام عادت‌ها رها شود و هر بار که هر کاری را می‌خواهد انجام دهد، با تفکر، با اندیشه، با اراده‌ی جدید و با تصمیم جدیدی آن را انجام دهد، نکته‌ی بسیار مهمی است. در سیر و سلوک هم بر این امر تأکید بسیار زیادی شده است و سالک نمی‌تواند به مقامات بلند انسانی راه پیدا کند، مگر اینکه

۱۵. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۲۴۲؛ صفار، بصائرالدرجات، ص ۲۸۷ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۶۷.

از دام عادت‌های خودش رها شود. این عادت‌ها بعضاً عادت‌های رفتاری است، بعضاً عادت‌های اخلاقی است، بعضاً اعتیادهای فکری و عادت‌های فکری است و

خدای متعال هم در قالب شریعت، برای عادت‌شکنی و رهاندن انسان‌ها از عادات، برنامه‌ریزی کرده است که نمونه‌ی آن را در ماه مبارک رمضان می‌بینیم که خدا چگونه تمام عادت‌ها را می‌شکند. انسان‌ها عادت دارند در زمان‌های معینی صبحانه بخورند، نهار بخورند، شام میل کنند. خدای متعال این عادت را می‌شکند؛ امر بر روزه می‌کند. نیمه‌های شب در سحرگاهان، افراد سحری می‌خورند و در آغاز شب با غروب آفتاب و اذان مغرب، به غذا می‌نشینند و افطاری می‌خورند. پس عادت غذایی بهم ریخت. ساعات خواب و ساعات بیداری بهم می‌ریزد. بسیاری از رفتارهایی که حلال است و به‌طور تکراری در طول سال انجام می‌شود، خدا آن حلال‌ها را در ماه مبارک رمضان حرام و ممنوع می‌کند، و این یک نمونه‌ی عادت‌شکنی است که خدای متعال در شریعت طرّاحی و تعبیه کرده است. بعضاً در جنبه‌ی تکوینی هم خدای متعال چنین کاری می‌کند. آنچه این روزها با آن مواجهیم، یعنی تعطیلی فعالیت‌های اقتصادی، عدم حضور در اجتماعات، بیرون نیامدن از منزل و امثال اینها، نوعی عادت‌شکنی قهری و جبری است که خدای متعال برای رهاندن انسان‌ها از اعتیاد به عادات، پیش آورده است. بنابراین نباید کلافگی نشان داد؛ بلکه با بر هم ریختن برنامه‌ها، باید این نتیجه‌ی مثبت برای افراد حاصل شود که با تصمیم جدید و با اراده‌ی جدید، هر کاری را می‌خواهند انجام دهند، انجام دهند؛ نه از سر اعتیاد و تکرار گونه.

در مورد نماز خواندن داریم که بسیار پسندیده است انسان نمازگزار، در هر نمازی که می‌خواند، در آغاز نماز چنان تصمیم شاداب و نوی داشته باشد؛ مثل کسی که برای اولین بار، در زندگیش به این نتیجه رسیده است که باید عبادت خدا را به‌جا آورد و نماز بگذارد. همین‌طور در نماز خواندن باید

حالتی را داشته باشد که گویا آخرین نماز عمرش را می‌خواند و دارد با نماز وداع می‌کند؛^{۱۶} یعنی هم با تصمیم نو و جدید و شاداب، نه اینکه از سر اعتیاد و بر اثر عادت، نماز خواندن را تکرار کند، و هم هر بار که نماز می‌خواند، سعی کند زیباترین نماز عمرش را بخواند؛ چون چه‌بسا دیگر فرصتی برای نماز بعدی برای او باقی نباشد.

انعطاف‌پذیری مؤمن در شرایط گوناگون در عین حفظ اصالت

یکی از نکته‌های سازنده‌ای که شرایط فعلی، در بر هم ریختن نظم عادت‌گونه‌ی زندگی پیش آورده، همین است که ما این توانایی را کسب کنیم که با شرایط مختلف کنار بیاییم و متناسب با هر شرایط، تصمیم بگیریم که چگونه رفتار کنیم. مؤمن موجودی است منعطف، و می‌تواند خود را با شرایط مختلف تطبیق دهد. مؤمن مثل آب است. آب در عین اینکه اصالت خودش که ترکیب H₂O است را حفظ می‌کند، در هر ظرفی که ریخته می‌شود به شکل آن ظرف درمی‌آید. در پارچ، در تُنگ، در لیوان، در استکان، آب به هر ظرفی که وارد می‌شود، با آن شرایط کنار می‌آید؛ یک موجود متصلب، سخت، متحجّر و انعطاف‌ناپذیر نیست. ما باید بتوانیم با این شرایط جدید به‌راحتی کنار بیاییم؛ با اقتضائات موقعیتی که فراهم شده است، خودمان را تطبیق دهیم. در عین اینکه اصالت ایمانی و اصالت انسانیمان را حفظ می‌کنیم، در قالب‌هایی که در گذشته به آن عادت کرده بودیم، چنان متحجّر و خشک نشده باشیم که نتوانیم شرایط فعلی را تحمل کنیم و برایمان رنج‌آور و دشوار و کلافه‌کننده باشد.

۱۶. امام صادق (علیه السلام): إِذَا صَلَّيْتَ صَلَاةَ فَرِيضَةٍ فَصَلِّهَا لَوْ قَبْلَهَا لَوْ قَبْلَهَا صَلَاةٌ مُؤَدَّعٌ يَخَافُ أَنْ لَا يَعُودَ إِلَيْهَا: صدوق، امالی، ص ۲۵۶؛ حرّعاملی،

وسائل الشّیعه، ج ۴، ص ۳۴ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۱۰.

شرایط جهان قبل از ظهور حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف

نکته‌ی دیگر اینکه در روایاتی که در مورد ظهور حضرت ولی عصر عزّه الله تعالی از معصومین علیهم السلام وارد شده، مکرر تأکید شده است که رفتارهای خودسرانه و نفس‌محور بشر، رفتارهای ناشی از جنگ انسان با خدا و عصیان بشر در برابر راه انبیاء، قبل از ظهور، شرایط جهانی را به شدت مخوف می‌کند. از یک سو، جنگ‌های ویرانگر جهانی برپا می‌شود و از سوی دیگر، بیماری‌های مسری و فراگیر عظیمی ایجاد می‌شود و بخش عمده‌ای از بشر در اثر این ندانم‌کاری‌ها و سرکشی‌ها و پیامدهای گناه و معصیت‌ها، و ظلم و ستم‌ها، از بین می‌روند^{۱۷} و طبیعتاً بخش باقی‌مانده از جمعیت جهان که همه‌ی امیدهایشان را به راهکارهای بشری از دست داده‌اند، با همه‌ی وجود از خدا تقاضای یک منجی و رهایی‌بخش الهی می‌کنند تا آنها را از آنچه در اثر گمراهی‌هایشان بدان گرفتار شده‌اند، نجات دهد. شرایط فعلی جهانی ناشی از ویروس کرونا و بیماری کووید ۱۹، می‌تواند شبیه آن شرایط تلقی شود. اینکه بشر این‌گونه به عجز افتاده و با همه‌ی ادعاها و غرورش، با همه‌ی امکانات و دانشش، در برابر یک ویروس حقیر این‌گونه اعتراف به نادانستن و نتوانستن می‌کند و این‌گونه تمام جهان درگیر شده است و تمام فعالیت‌ها متوقف و دچار اختلال شده است؛ می‌تواند بشارتی باشد که بشر به یأس از خود و امید بستن به خدا نزدیک شده است و این مقدمه‌ی ظهور است.

منطقاً کسی که طالب ظهور و طالب جهانی سرشار از عدالت، امنیت، فضیلت، معنویت، پاکی، اخلاق، مهربانی، رفاه و برخورداری است، باید مقدمات آن را هم متحمل شود. هر چیز هزینه‌ای دارد؛ بنابراین اگر کسی طالب چیزی است، باید آماده‌ی پرداخت هزینه‌ی آن هم باشد. به تعبیری که از بزرگان نقل شده، وقتی یک سوار نجات‌بخش بر اسبی سوار است و در یک جاده‌ی خاکی از دور می‌آید، قبل از

۱۷. ن.ک. مهدی طیب، جان جهان، ص ۳۷۰.

اینکه دیگران خود آن سوار را ببینند، گرد و غباری که از زیر سُم اسب او برخاسته است، توجّه آنها را جلب می‌کند. این بحران‌های جهانی که شاید مقدماتی از ظهور باشد، گرد و غباری است که از زیر پای اسب منجی برخاسته و از دور مشاهده می‌شود.^{۱۸} اگر قرار است فرزندی به دنیا بیاید، مادر باید قبل از شیرینی داشتن فرزند، درد زایمان را تحمل کند و پذیرای آن باشد. از این مثال‌ها می‌شود مکرّر بیان کرد. علی‌ای‌حال این شرایط را که گفتم پیامد رفتارهای بی‌رویه‌ی خود بشر است، می‌بایست پذیرفت و تحمل کرد و از آن عبرت گرفت، و آماده و مستعد شد برای ظهور حجّت خدا و رسیدن به جهانی که سرشار از زیبایی‌ها و نیکویی‌هاست؛ ان‌شاءالله.

تفاوت علائم ظهور با علل ظهور

نکته‌ی دیگر این است که علائم ظهور، چیزی و علل غیبت و ظهور، امر دیگری است. آنچه لازمه‌ی ظهور است، علائم نیست. هر علامتی، علّت نیست. مثلاً فردی که دچار بیماری شده است، دردی در بدنش احساس می‌کند، حرارت بدنش بالا می‌رود و امثال اینها؛ اما این علائم علّت بیماری او نیستند؛ علّت بیماری او، ویروس یا میکروبی است که درون وجود او اختلالی ایجاد کرده است. آن اختلال، علائمی مثل تب، درد یا بی‌حالی و امثال اینها در پی آورده است. چه‌بسا این علائم بین بیماری‌های مختلف، مشترک باشد. برطرف شدن علائم هم مشکلی را حل نمی‌کند؛ یعنی اگر کسی سبب شود تب بیمار با دارویی پایین بیاید یا با استفاده از مسکنی، بیمار درد را احساس نکند، این به آن معنا نیست که فرد از بیماری نجات پیدا کرده است؛ بلکه او فقط احساس بیماری نمی‌کند. پس فرق است بین علّت و علامت.

۱۸. مهدی طیب، مصباح‌الهدی، ص ۳۲۳.

علائم ظهور، بروز پیامدهای رفتار خودسرانه و خداناباورانه و ستمگرانه و آلوده‌ی بشر است که در دوران غیبت، به تدریج بارزتر، قوی‌تر و شدیدتر می‌شود. اما باید به علت غیبت توجه کرد. علت غیبت، سرکشی بشر از انبیاء و اولیاء الهی است؛ اینکه انسان، خودخواهانه به راه پیامبران پشت کرد. خداوند برای اصلاح و هدایت بشر، یکصد و بیست و چهار هزار پیغمبر فرستاد. همه‌ی آنها به دست بشر کشته شدند و به شهادت رسیدند. یازده امام علیهم‌السلام که در پی پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمدند، هم به دست بشر به شهادت رسیدند. وقتی بشر موعظه‌های انبیاء الهی و ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام را نپذیرفت و در او تأثیر نکرد و همچنان راه سرکشی و غرور و ستم و فساد خودش را ادامه داد، خدا بشر را به خودش واگذار کرد تا پیامد رفتارهای ناشایست خودش را در عمل تجربه کند؛ تا حالا که منطق و موعظه در او تأثیر نمی‌گذارد، بازتاب‌های رفتار نادرست خودش را ببیند و با تلخی آنها به خود بیاید و از خود محوری، به خدامحوری منتقل شود؛ از غفلت به ذکر و یاد خدا منتقل شود؛ از معصیت، به طاعت و فرمانبری خدای متعال منتقل شود؛ از اتکاء به خویشتن و قدرت‌ها و هنرمندی‌ها و توانمندی‌های خود، به اتکاء و اتکال به خدای متعال منتقل شود و حاضر شود سر به راه فرمان الهی بنهد و دستورات خدا را در زندگی پیروی کند. این علت غیبت است؛ و شرط ظهور، برطرف شدن این عامل اصلی است که بشر را محروم کرده است.

در غیبت، یک عامل دیگر هم نقش علت دارد و آن بی‌همتای و سست‌عهدی یاران ائمه علیهم‌السلام است. اگر اصحاب ائمه علیهم‌السلام غیرت و حمیت لازم را در دفاع از امام معصوم داشتند، کجا قدرتمندان و ستمگران موفق می‌شدند امامان ما را به شهادت برسانند؟! بنابراین اهتمام به حمایت از ولایت حجت‌خدا و آمادگی جانبازی و پاکبازی در راه حمایت و فرمانبری از راه امام معصوم علیهم‌السلام، شرط دیگر ظهور است. کسانی که مدعی تشیعند، مدعی ولایتند، مدعی اعتقاد به امام عصر عزوجللّه هستند، اگر آمادگی پیدا کنند که جان بر کف و با همه‌ی وجود، از راه و آرمان‌های حجت‌خدا عزوجللّه دفاع کنند، دومین علت غیبت هم

برطرف می‌شود. در این صورت، قطع امید از غیرخدا و امید بستن به خدا که با سرخوردگی از راه غلطی که در طول تاریخ طی کرده، برای بشر حاصل می‌شود، از یک سو، و اهتمام جدی باورمندان به ولایت برای جانبازی و پاکبازی در رکاب حجت‌خدا ارواحنا، به‌عنوان دومین عامل، از سوی دیگر، چه‌بسا زمینه‌ساز ظهور حجت خدا شود.

یک منتظر واقعی، در شرایطی که دنیا دچار چنین بحران‌های عظیمی شده و زمینه‌های قطع امید بشر دارد فراهم می‌شود، باید دائماً چشم به‌راه ظهور حجت خدا باشد؛ همان‌طور که در احادیث داریم: **فَتَوَقَّعُوا الْفُرَجَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً:**^{۱۹} هر صبح که به عالم چشم می‌گشایید، چشم به راه ظهور حجت خدا باشید، و هر عصر که روز را به پایان می‌برید، باز منتظر ظهور حجت خدا باشید. انتظار دائمی چیزی است که در شرایط فعلی باید به‌صورت جدی مطرح باشد. کسب شایستگی‌ها، چه در حوزه‌ی معرفت و باورهای دینی، و چه در حوزه‌ی اعمال و اخلاق و کردار دینی، می‌بایست به‌عنوان یک اهتمام جدی برای منتظران واقعی باشد؛ چون یاران حجت‌خدا ارواحنا باید آمادگی زندگی در جامعه‌ی مهدوی را که در آن، ارزش‌ها و قوانین الهی حکومت می‌کند، داشته باشند. نکند خدای ناکرده کسانی که تصوّر انتظار حجت‌خدا ارواحنا را دارند، مثل کسانی باشند که بعد از قتل عثمان، به اصرار، امیرالمؤمنین علیه السلام را وادار کردند که حکومت ظاهری بر آنها را بپذیرند، اما به دلیل اینکه آمادگی تحمل عدالت و تقوایی را که امیرالمؤمنین علیه السلام در حکومت ملاک قرار داده بودند، نداشتند؛ به‌زودی سر از فرمان آن حضرت برتافتند و در قالب اصحاب جمل، در قالب اصحاب صفین و در قالب خوارج نهروان، رو در روی آن حضرت ایستادند. بنابراین باید در دوران غیبت، شایستگی زندگی در جامعه‌ی مهدوی را در خویشتن ایجاد کرد تا در آن شرایط، یک شهروند مناسب جامعه‌ی مهدوی بود.

۱۹. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۳؛ صدوق، کمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۳۷ و طبرسی، فضل‌بن‌حسن، اعلام‌الوری، ص ۴۳۰.

امیدواریم که در این شرایط کرونایی، بشارت ظهور باشد و ما اولاً از این شرایط، بیشترین بهره را در آماده‌سازی خودمان برای ظهور ببریم؛ ثانیاً دعای بر تعجیل فرج را ترک نکنیم و ثالثاً از افشاء اسرار و اینکه دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام را از اسراری که در مقدمه‌ی ظهور وجود دارد مطلع کنیم؛ به‌شدت اجتناب کنیم. بنابر روایات، چندین بار خدای متعال اراده‌ی اقامه‌ی حکومت اهل بیت علیهم‌السلام را کرد و فقط به دلیل افشاء اسرار و عدم مراعات تقیه، تقدیر الهی تغییر کرد و خدا بَداء کرد و امر ظهور را به تأخیر افکند.^{۲۰}

امیدوار هستیم که هم بهره‌ی عبرت‌آموزی از این شرایط ببریم؛ هم انتظار شدید و اشتیاق به دیدار و خدمتگزاری در آستان حجت خدا همه‌ی وجودمان را دربرگیرد و هم رازدار اسرار اهل بیت علیهم‌السلام باشیم و مراعات تقیه را بکنیم که خدای ناکرده بی‌توجهی به این امر، منجر به تغییر تقدیر الهی و به تأخیر افتادن امر ظهور نشود.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

۲۰. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۲۲۳؛ راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۱۷۹.